

نفت اسلحه نیست

...تولید نفت‌های غیرمتعارف، جلوی کاهش تولید اوپک را گرفتند، آن‌هم وقتی چهار عضو از هشت عضو این سازمان در آن مقطع موافق کاهش تولید نفت این سازمان بودند. «در میان مدت و بلندمدت باید نظام سهمیه‌بندی در اوپک احیا شود. چاره‌ای جز این نداریم». این را زنگنه گفت و در پاسخ به پرسش دیگری درباره پیشنهاد عربستان برای نگهداشت تولید ایران در سطح سه‌میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه تصریح کرد: «عربستان رسماً پیشنهادی درباره نگهداشت تولید ایران در عدد سه‌میلیون و ۶۰۰ هزار بشکهای به ما نداده است». او ضمن تأکید دوباره بر مشورتی‌بودن اجلاس اوپکی‌ها در الجزایر اظهار امیدواری کرد در اجلاس وزرای اوپک در نوامبر تاقهامی حاصل شود. وقتی از زنگنه درباره احتمال رسیدن تولید ایران به چهار میلیون بشکه سؤال شد، پاسخ داد: «ما در میادین نفتی‌مان نظیر آژادگان، ی‌آدآوران و یاران سرمایه‌گذاری کرده‌ایم و در حال برداشت از آنها هستیم. بهره‌برداری از میادین نفتی جدید به‌زودی شروع می‌شود و ما به‌زودی به این رقم تولید خواهیم رسید». وقتی از زنگنه درباره بازگشت مدیریت بازار به اوپک از طریق احیای نظام سهمیه‌بندی‌ها پرسید، گفت: «ما همیشه از ایده مدیریت بازار از سوی اوپک حمایت کرده‌ایم چراکه معتقدم اوپک باید در بازار نقش آفرینی کند». زنگنه در پاسخ به سؤال خبرنگار دیگری درباره ایده ایران برای کسب سهمش در اوپک تصریح کرد: «ایران قصد دارد سهم حدود ۱۳درصدی خود را از مجموع تولید نفت اوپک در دوران پیش از تحریم دوباره به دست آورد». مجموع تولید نفت اعضای اوپک در ماه آگوست ۳۳میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه بود. اگر تولید ماه آگوست ملاک باشد، عدد سهم ایران چهارمیلیون و ۴۰۰ هزار بشکه خواهد بود. **باریکندو: ممکن است اجلاس رسمی شود؛ قیمت نفت ۸۰ درصد سقوط کرده است؛** وقتی دبیرکل اوپک از جلسات مشترک وزرا خارج شد درباره احتمال رسمی‌شدن جلسه مشورتی اوپک مورد سؤال خبرنگاران قرار گرفت: «هیچ چیزی غیرمکن نیست. من می‌توانم از مشارکت بالای کشورهای عضو اوپک و غیروپک در مذاکرات ابراز خوشحالی کنم. در الجزایر بحث‌ها نسبت به دوحه جلوتر است». وی از حضورنداشتن روسیه در اجلاس امروز اوپکی‌ها خبر داد اما گفت روس‌ها مشارکت فعالی در مذاکرات دارند. «شخصاً با آقای نپوواک جلسه داشتیم و مذاکرات خوبی برای همکاری‌ها انجام دادیم». باریکندو در سو سخترانی افتتاحیه‌اش اعلام کرد قیمت نفت در دو سال اخیر ۸۰ درصد سقوط کرده است.

دیدارهای زنگنه در وین؛ به رسمیت شناخته شدن تولید ایران؛ زنگنه دیروز با نخست‌وزیر الجزایر، وزیر انرژی روسیه، معاون وزیر انرژی لهستان و وزیر نفت عراق دیدار و درباره نحوه ایجاد ثبات در بازار نفت مذاکره کرد. این در حالی است که وزیر نفت نیجریه دیروز رسماً خواهان مستناشدن این کشور از هر طرح محدودکننده‌ای شد. زنگنه قرار است با رئیس کل توتال در الجزیره دیدار کند. تا ساعات باقی‌مانده معلوم خواهد شد که اوپکی‌ها در نشست امروز عصر خود چه تصمیمی اتخاذ خواهند کرد. تصمیمی که هرچه باشد، میزان تولید ایران در یک سال آینده باید به رسمیت شناخته شود.

انتظار آمریکایی از مناظره

اخیرا در برخی محافل رسانه‌ای، گمانه‌زنی‌هایی درباره تأثیر انتخاب گزینه دموکرات‌ها یا جمهوری خواهان آمریکا بر جهت‌گیری‌های سیاسی یا انتخابات ریاست‌جمهوری آینده ایران مطرح شده است که چندان به واقعیت نزدیک نیست. واقعیت این است که هردو جناح آمریکا در کلیت تخاصص با ایران، هم‌منظر هستند. گذشته از آن، انتخابات ایران به دلیل قواعد خاص و حساسیت‌های ویژه درونی آن با وجود اهمیتی که برای همه جهان دارد، از مباحث بیرون از ایران تأثیری نمی‌پذیرد.

مسئله‌ای به‌نام حضور زنان

اگر در فرایند توسعه ما فقط یاد بگیریم که برای انتخاب دیگران احترام قائل شویم، قدم بزرگی در جهت توسعه برداشته‌ایم. انتخاب نوع و چگونگی حضور در جامعه با توجه به توانایی‌ها حق انسان‌هاست. اگر در شرایط کنونی و آینده، زنانی انتخاب می‌کنند که در خانه بمانند و همه وقتشان را صرف خانه‌داری کنند، کاملاً محترم است و کسی نباید و نمی‌تواند آنان را وادار به انتخاب دیگری کند. اگر این گروه از زنان مایل‌اند در تصمیم‌گیری در امور خانواده و جامعه کمتر دخالت و اختیار را به دیگران واگذار کنند، این تصمیم آنها محترم است. این زنان می‌توانند مادر بزرگ یا دختران ما باشند. اما به همان اندازه نیز، زنانی که تصمیم گرفته‌اند در عرصه‌های اقتصادی جامعه حضور یابند و برای استفاده از دانش آموخته و کسب درآمد تلاش کنند، باید به آنها احترام گذاشت و زمینه‌ها برای تحقق این انگیزه و اعلام تمایل برای حضور فراهم شود. حکمرانی خوب و توسعه یعنی همین؛ یعنی انسان‌ها بر اساس توانایی‌ها و انتخابشان بتوانند برای ارتقای کیفیت زندگی خود تلاش کنند. به‌طور دقیق‌تر در این فرایند، فرهنگ جدید نیازمند تحول خواهد بود که طی زمان و به‌تدریج اتفاق خواهد افتاد. مهم این است که همه آمادگی داشته باشیم و بپذیریم سرمایه‌های انسانی این جامعه و مدیریت خوب، شرایط جدیدی را فراهم می‌کند که لزوماً همه زنان تحصیل‌کرده نباید بوی فورمه‌سری بدهند تا «زن خوب و شریک خانه» قلمداد شوند.

علیرضا بهداد؛ موضوع را که مطرح کردم گفت: سال‌هاست که دراین‌باره بنده و همکارانمان بحث می‌کنیم و پیشنهاد می‌دهیم؛ اما به‌ظاهر گوش شنوایی وجود ندارد. انکار یک بی‌تفاوتی بزرگی در سطح سیاست‌گذاران اقتصادی کشور حاکم شده که آنها به‌جای پرداختن به مسائل اساسی اقتصادی کشور خود را درگیر جوسازی‌های سیاسی کرده‌اند. او ادامه داد: اینکه باز هم بخواهیم همان حرف‌های گذشته را بزنیم، حاصلی جز تکرار مکررات نخواهد داشت و بعید است با این مصاحبه‌ها بتوان تغییری در ذهن سیاست‌گذاران اقتصادی به وجود آورد؛ زیرا آنها در عالم دیگری سیر می‌کنند. از نظر محمدمهدی بهکیش، دولت یازدهم با وجود اقدامات مناسبی که در ایجاد ثبات در فضای کلان اقتصادی کشور انجام داده، در سه سال گذشته درباره تعرفه‌گذاری، اقدامات ملموس و مؤثری انجام ن‌داده و در این زمینه تکیف خود را مشخص نکرده است که آیا تولید با تعرفه‌های بالا و موانع تعرفه‌ای (تعرفه خاموش) قرار است به حیات خود ادامه دهد یا در زمینه یک اقتصاد رقابتی به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

از نظر این اقتصاددان، نظام تعرفه‌ای کشور نیازمند تغییراتی اساسی است که این تغییرات قبل از آنکه روی کاذب یابید و به قانون یا مصوبه تبدیل شود، بهتر است در اذهان مدیران دولتی جا بگیرد و آنها به این باور برسند که برای رقابتی‌کردن اقتصاد ایران استفاده از ابزار تعرفه باید در شرایط خاص زمانی و مکانی باشد و نه اینکه به بهانه حمایت از تولید ملی بالابردن، تعرفه به یک رویه تبدیل شود و دولت از محل آن درآمد کسب کند.

کا شما به‌عنوان یکی از اقتصاددانان معتقد به اصول اقتصاد بازار، بر این باورید که نظام تعرفه‌ای کشور یک جراحی اساسی نیاز دارد و مسئولان بخش صنعت، معدن و تجارت بهتر است از جایگاه یک اقتصاددان و نه یک بنگاهدار به تغییر تعرفه‌ها روی آورند. به نظر شما ادامه سیاست‌گذاری‌های کنونی درباره تعرفه‌گذاری چه آسیب‌هایی به اقتصاد ایران وارد خواهد کرد؟

من و همکارانم سال‌هاست دراین‌باره به طرق مختلف نظرات خود را به مسئولان اعلام می‌کنیم. در رسانه‌های مختلف، نقد‌های زیادی به نظام تعرفه‌گذاری وارد کرده‌ایم؛ اما کمتر پیش آمده دولتمردی ما را بخواند و بگوید تحلیل شما دراین‌باره چیست و چرا نظام تعرفه‌گذاری را نقد کرده‌اید؛ البته شاید در مواقعی هم در جلسات سیاست‌گذاری شرکت کرده‌ایم؛ اما با توجه به ذهنیتی که مدیران دولتی درباره بحث تعرفه‌ها دارند، متأسفانه تحلیل‌های ما در تصمیم‌گیری‌ها اثرگذار نبوده است. اینکه یک نظریه ساده اقتصادی را چندین‌بار عنوان کنیم؛ اما هیچ وقعی به آن نهاده نشود و مسئولان بی‌تفاوت از کنار آن عبور کنند، سؤال‌برانگیز است. ما معتقدیم روش تعرفه‌گذاری کنونی (تعرفه‌های بالا و موانع تعرفه‌ای موجود) نه‌تنها باعث رشد و توسعه تولید در فضای رقابتی نخواهد شد، بلکه در نهایت این مصرف‌کنندگان هستند که اعتماد خود را به تولیدات داخلی از دست می‌دهند و با اشتیاق به سمت تولیدات خارجی، حتی با قیمت بیشتر می‌روند. شما امروز کارنامه تولید کشور را ورق بزنید؛ آیا ما در صنایعی که از ابزار تعرفه برای حمایت از آنان استفاده کرده‌ایم توانسته‌ایم تولید رقابتی داشته باشیم؟ یک نمونه از این صنایع را مثال بزنید که با استفاده از تعرفه بالا توانسته‌اند به‌دست محصول خود را در بازارهای صادراتی عرضه کنند و موجب ارزآوری برای کشور شوند. متأسفانه برخی وزارتخانه‌های ما به‌جای سیاست‌گذاری درست، براساس علم اقتصاد، به وزارت مدیریت بنگاه‌های اقتصادی به‌ویژه بنگاه‌هایی که با استفاده از رانت، ارز ارزان، انحصار و مدیریت دولتی به رشد دست یافته‌اند، تبدیل شده‌اند و هنوز به این باور نرسیده‌اند که با تعرفه بالا نه تولید رقابتی خواهیم داشت و نه می‌توانیم در اقتصاد جهانی حرفی برای گفتن داشته باشیم. سال‌هاست به مدیران مختلف توصیه می‌کنیم برای دستیابی رقابتی، نمی‌توان تعرفه را به‌عنوان ابزاری مناسب در نظر گرفت و بهتر است با توجه به مزیت‌هایی که داریم سراغ صناعی برویم که به‌دین استفاده از رانت، تعرفه، ارز با قیمت غیرواقعی و انحصار بتوانند به ارائه کالا بپردازند.

کا آیا به‌حال پیش آمده که پس از انتقادهای انجام‌شده، مسئولی اقتصاددانان معتقد به تغییر در نظام تعرفه‌گذاری را بخواند و بپرسد ما چگونه باید سیاست‌گذاری کنیم تا تولیدی رقابتی داشته باشیم؟ بله، به‌دفعات پیش آمده؛ اما باز هم اتفاقی دراین‌باره نیفتاده است. گاهی وقت‌ها مسئولان کشور خود را بی‌نیاز از اقتصاددانان می‌دانند و گمان می‌کنند کارشناس ارشد در همه زمینه‌ها هستند، درحالی‌که توسع بر آن بود با روی کارآمدن دولت آقای روحانی بر عرصه‌های سیاست‌گذاری‌ها نادرست در تولید برچیده شود و نظام تولید ما راه رقابت را طی کند؛ نه اینکه گمکان دغدغه‌اش این باشد که از شغل چندده هزار نفر در صنایع بزرگ حمایت و برای آنان تعرفه‌های بالا وضع کند. ما معتقدیم یک بنگاه یا کارآمد است یا ناکارآمد. دولت به‌عنوان یک کارشناس بهتر است دلایل ناکارآمدی بنگاه‌ها را بررسی کند و آنها‌هایی که به‌دلیل سیاست‌گذاری‌های نادرست باعث ناکارآمدی بنگاه‌ها شده، به جبران خسارت بپردازد و دیگر مسیر گذشته را تکرار نکند؛ اما متأسفانه می‌بینیم در صنعتی مانند خودرو هنوز همان رویه‌ها وجود دارد و گویی دولتمردان نمی‌خواهند دست از سر این صنعت بردارند اجازه دهند تولیدی رقابتی داشته باشد.

اقتصاد

تحلیل «محمد مهدی بهکیش» از آسیب‌های نظام تعرفه‌گذاری بر اقتصاد ایران

دولت سد تعرفه را بشکند



بهکیش

رونق‌دهی صنعتی شرق

کدام خودروساز در دنیا با تعرفه‌های بالا خودروساز شده که ما دومی‌اش باشیم؟ چرا مردم ما باید تاوان ناکارآمدی مدیران دولتی را که عمدتاً سیاسی هم هستند، بدهند و از کالایی استفاده کنند که از کم‌ترین تکنولوژی خود بهره برده و تکنولوژی آن به دهه‌های گذشته برمی‌گردد.

کا البته مدیران برخی از صنایع بزرگ معتقدند که اصلاً نیازی به تعرفه ندارند و در صورتی که دولت خود را درجه دخالت خود بکاهد و اجازه دهد به مانند یک بنگاه اقتصادی به فعالیت بپردازند، می‌توانند با تعرفه‌های کم و حتی صفر هم به رقابت بپردازند. این حرف آنها کاملاً منطقی است، اما سؤال اینجاست که چرا به جای رفتن به سمت بهره‌وری بالا همواره به‌دنبال لابی‌کردن در خودشان پیش‌قدم به تعرفه دست نخورد؟ چرا خودشان پیش‌قدم نمی‌شوند و بگویند دولت در پنج سال این اقدامات را انجام دهد تا ما هم بتوانیم در شرایط رقابتی به تولید محصول بپردازیم؟ بنده هم معتقد هستم که نیروی انسانی مازادی در صنایع بزرگ کشور، نظیر فولاد و خودرو وجود دارد که حتی یک روز هم حقوق آنها عقب نمی‌افتد. حالا چه روزی صد واحد محصول به تولید برسند چه روزی هزار واحد. چرا باید چنین باشد؟ صنایع خودرو و فولاد در دنیا صنعتی مادر و پیشران تلقی می‌شود، اما آیا باید به دلیل سربایستان این صنایع و شاغل‌شدن چند هزار نفر، جمعیت ۸۰میلیونی ما بتوان آن را پس بدهند؟ به نظر من مدیران صنایع بزرگ بهتر است خود پیش‌قدم شده و زمینه کاهش تعرفه‌ها را مهیا کنند. اگر مشکل، قانون کار است نظرات خود را به دولت اعلام کنند و مجوزهای لازم را بگیرند. اگر مشکل تکنولوژی است به سراغ شرکای تجاری مناسب بروند، اگر مشکل دخالت دولت است، بیان کنند.

به عنوان مثال در همین قراردادهای جدید خودرو اگر توجه کنید، خودروسازان کشور، تقریباً ۴۰ درصدی را به عنوان برگ برنده خود روی میز مذاکرات قرارداده‌اند تا خودروسازان فرانسوی یا هر خودروساز دیگری را مجاب به همکاری در ایران کنند. اگرچه در ظاهر تعرفه خودرو ۴۰ درصد عنوان می‌شود، اما با درنظرگرفتن موانع تعرفه‌ای نظیر ثبت سفارش، محدودیت‌ها، ممنوعیت‌ها و خروج خودروهای فرسوده عملاً تعرفه موجود بین ۶۰ تا صددرصد گردش می‌کند.

کا البته در این میان، فشار دولت برای داخلی‌سازی قطعات و صادرات ۳۰درصدی محصولات هم باعث شده تا ما چنین امتیازاتی بدهیم! قرار نیست که ما به زور این بدهستان‌ها خودروساز شوییم. اگر صنعت قطعه‌سازی ما به این درجه از توانایی در تولید محصولات خود رسیده که قطعات استاندارد و مطلوب خودروهای جدید را بسازد، پس بهتر است خود را تجهیز کرده و وارد کار شود. اینکه بایام و بگویم ۴۰ درصد قطعه هر خودرویی باید در ایران به تولید برسد آیا بهترین نوع قرارداد است؟ اصلاً چرا چنین اعدادی در قراردادهای ما وجود دارد. ما باید به گونه‌ای قرارداد ببندیم که اگر توانایی داشته باشیم، نه‌تنها ۴۰ درصد بلکه ۶۰ یا ۷۰ درصد قطعات یک خودرو در ایران به تولید برسد.

این نوع قراردادها نشان از آن دارد که مدیران بخش صنعت ما نمی‌خواهند دست از تعرفه‌گذاری برای واردات خودرو بردارند. شما تعرفه را منطقی وضع کنید، آنگاه بازار، خود به این قراردادها واکنش نشان داده و می‌تواند وارد این زنجیره شود. سؤال اینجاست که چرا در قراردادهای جدید خودرو بحثی از پیوستن ما به زنجیره تأمین قطعات شرکت‌های بزرگ به میان نمی‌آید؟ پاسخ روشن است، چون خودروسازانی که به ایران می‌آیند قصد دارند محصولات را به تولید برسانند که در همین بازار با همین تعرفه‌ها به فروش برسد. مطمئن باشید اگر کوچک‌ترین تغییری در تعرفه‌ها به وجود یابد آنها حاضر به همکاری با خودروسازان ما نیستند، چون در سایه همین تعرفه بالاست که می‌توانند به‌راحتی و تضمین‌شده محصول خود را به فروش رسانده و راهی بازار کنند. این موضوع را هم در نظر داشته باشید که صنعت خودروی دنیا به سمت استفاده از خودروهای برقی می‌رود، اما ما تازه به تولید بنزین پیور و دست یافته‌ایم. در حقیقت، دنیا با توجه به سوخت پاک‌ی که برای خودروها تعریف کرده عملاً خود را از سوخت‌های فسیلی بی‌نیاز کرده و تکنولوژی‌های خود را صرف تولید این نوع خودروها

حضور در رسانه‌ها و با ارسال نامه‌هایی دولت را متوجه کنیم و بیش‌ازاین هم کاری از دستمان بر نمی‌آید. فکر می‌کنم در این بزرنگاه، رسانه‌ها اگر به رسالت واقعی خود برگردند، قادر خواهند بود تا به رفع مشکلات بپردازند و مسئولان را موظف به پاسخ‌گویی کنند. متأسفانه به همان اندازه که بدنه کارشناسی دولت تضعیف شده، جامعه روزنامه‌نگاری ما هم آسیب دیده است. این موضوع را می‌توان در کیفیت سؤالات برخی خبرنگاران و مطالبی که منتشر می‌کنند، دید. در چنین شرایطی برخی از رسانه‌های شناسنامه‌دار بهتر است خود وارد میدان نشوند و با بازنشر حرف‌های ما و دیگر کارشناسان سیاست‌گذاری‌های درست را به‌عنوان یک مطالبه عمومی تبدیل کنند. ما امروز نیاز داریم که اقتصاد کشور را با عینک دیگری ببینیم و تحلیل کنیم، به اینکه همواره روی موج اخبار سوار شویم و سؤالاتی در حد افکار عمومی مطرح کرده و مسائلی را تیتیر کنیم که واقعاً دردی از دردهای جامعه ما برطرف نخواهد کرد. همین چند روز پیش در کتابخانه‌ام مطلبی از خودم در روزنامه دنیای اقتصاد دیدم که در آن به تناقض‌های اقتصاد ایران اشاره شده بود. این مطلب در آذرماه ۹۱ منتشر شده بود و جالب است که اگر آن را بخوانید، می‌بینید که حرف‌های کارشناسی ما همان حرف‌هاست که در عمل تغییراتی از سوی دولت نمی‌بینیم و مجبوریم مرتب آنها را تکرار کنیم؛ اما به‌رحال ما نیز توانی برگردیم و دولت کنونی این‌قدر خود را با دولت قبل مقایسه نکند؛ چون با این مقایسه چیزی عاید کشور نخواهد شد؛ بلکه بهتر است بیاید و برای مردم توضیح دهد که در راستای بازسازی اقتصاد ایران چه اقداماتی انجام داده و آیا تلوسته ریل‌گذاری جدیدی برای توسعه اقتصاد ایران بنیان‌گذاری کرد تا همان قطار را بر همان ریل قدیمی به پیش ببرد.

کا آیا با اجرائی‌کردن برجام می‌توانیم به این مهم دست یابیم و برای اقتصاد ریل‌گذاری جدیدی کنیم؟ همان‌طور که گفتم، نیاز است تا سیاست‌گذاری‌های اصولی برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور به مطالبه‌ای عمومی تبدیل شود. برجام فقط یک وسیله است که ما را به شرایط سال ۹۰ برمی‌گرداند؛ اما نمی‌تواند معجزه کند. ما هنوز در زیرساخت‌ها مشکل داریم و در شرایطی هم به سر می‌بریم که دولت قادر نیست که به دلیل کمبود منابع مالی زیرساخت‌های مورد نیاز را به‌سرعت فراهم کند. دراین‌میان برای حرکت سریع در اقتصاد به سرمایه‌گذاری خارجی نیازمندیم و بهتر است در این زمینه تلاش خود را به کار گیریم. در همان مقاله چند روز پیش هم در دنیای اقتصاد گفته بودیم که ممکن است برخی کشورهای صاحب تکنولوژی و سرمایه و مؤسسات مالی آنان علاقه جدی برای همکاری با ایران نداشته باشند یا حتی با حاکمیت ایران دشمنی داشته باشند؛ ولی همان کشورها نیازمند همکاری با ایران هستند؛ زیرا ظرفیت‌های عموماً ناشکفته ایران را می‌شناسند و خریدار آن هستند. برخی با درک نادرست از اقتصاد مقاومتی فکر می‌کنند که اگر بیشتر به درون کشور بپردازیم و با استفاده از امکانات داخلی کشور را اداره کنیم، در آینده شرایطی بهتری خواهیم داشت.

کا آیا تفکر تولید برای جلوگیری از واردات نباید جای خود را به تولید برای صادرات بدهد؟ تا چه اندازه می‌توان در دنیای کنونی، صرفاً با اتکا به منابع داخلی اقتصاد کشور را اداره کرد؟ از دید کارشناسی آشنا به شرایط بین‌المللی این کار امکان‌پذیر نیست. هیچ کشوری نمی‌تواند بدون تعامل با کشورهای دیگر اقتصاد کشورش را به‌درستی اداره کند؛ حتی آمریکا، بدون نفوذ در بازارهای صادراتی و ایجاد کار برای تحصیل‌کردگان بی‌کار کشور که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود، نخواهیم توانست رشدی پایدار به‌وجود آوریم. مثالی کوتاه شاید کمک‌کننده باشد. هندوستان در زمینه ارتباطات و مخابرات سال‌ها جلوتر از ما ایرانیان است و دسترسی بسیار خوبی به بازارهای بزرگ مانند آمریکا دارد. اگر بتوانیم با آنان به مذاکره بنشینیم و زمینه همکاری با آنان را فراهم کنیم و البته سعی کنیم برخی از نگرانی‌های آنها با مشتریان آنها را مرتفع کنیم، می‌توانیم زمینه اشتغال را برای ده‌ها هزار مهندس و تکنیسین کامپیوتر و آی‌سی‌تی به‌وجود آوریم. باید بدانیم که در سال‌های آتی تنها با صادرات نفت، میعانات گازی و محصولات پتروشیمی و... نمی‌توان نیازهای اشتغال مملکت را رفع کرد و هر روز لشکر بی‌کاران گسترده‌تر می‌شود و ممکن است مسائل اجتماعی، فرهنگی و... بسیار به وجود بیاید. توصیه کارشناسی آن است که باید هرچه زودتر روابط بین‌المللی را گسترده‌تر کنیم تا استفاده از الگوی برجام و تجربه بسیار خوبی که به دست آورده‌ایم، برنامه مذاکره با کشورهای مرتبط برای ایجاد تعامل و جذب تکنولوژی، سرمایه و نیروی انسانی در تنظیم کنیم و به‌ویژه برای دسترسی به بازار برای گسترش صادرات کالا و خدمات اقدام‌های مورد نیاز را به عمل آوریم؛ ولی این روابط به نتیجه مطلوب نخواهد رسید، مگر آنکه فضای کسب‌وکار در کشور جذب‌کننده سرمایه‌گذار به جای دفعه‌کننده آن باشد.

کا آیا به نظر شما چگونه می‌توان دولت‌مردان و سیاست‌گذاران اقتصادی کشور را مطلع کرد که وضعیت به چه شکل است و آنها باید دراین‌باره چه کار کنند؟ آنها در پیله بی‌تفاوتی فرو رفته‌اند. اتفاقاً به‌خوبی می‌دانند که کشور در چه وضعیتی قرار دارد؛ اما انکار نمی‌خواهند از خواب بیدار شوند. ما به‌عنوان کارشناس تمام تلاش خود را می‌کنیم تا از طریق اشکال اینجاست که معمولاً سیاست‌گذاران اقتصادی کشور مطالب کارشناسی را نمی‌خوانند؛ زیرا آن‌قدر گرفتار مشکلات روزمره هستند که فرصت خواندن ندارند و برخی از آنان فکر می‌کنند مطالب تکراری کارشناسان دردی از دردهای چندانکه کشور را دوا نمی‌کند؛ زیرا کارشناسان از مشکلات واقعی اطلاع ندارند و به اصطلاح دستی از دور بر آنان دارند.

کا به نظر شما چگونه می‌توان دولت‌مردان و سیاست‌گذاران اقتصادی کشور را مطلع کرد که وضعیت به چه شکل است و آنها باید دراین‌باره چه کار کنند؟ آنها در پیله بی‌تفاوتی فرو رفته‌اند. اتفاقاً به‌خوبی می‌دانند که کشور در چه وضعیتی قرار دارد؛ اما انکار نمی‌خواهند از خواب بیدار شوند. ما به‌عنوان کارشناس تمام تلاش خود را می‌کنیم تا از طریق

اقبال بازار به گروه‌های کوچک



● چهارمین روز معاملاتی بورس تهران در پاییز با رشد ۵۳واحدی شاخص کل همراه شد و این نامگر را تا ارتفاع ۷۷هزارو ۱۴۳ واحدی بالا برد. شاخص کل هم‌وزن نیز با ششانی بیشتر صعود کرد و بیش از ۱۰۷ واحد افزایش یافت که نشان از رشد قیمت در بیشتر سهم‌های بازار داشت. اما رشد شاخص کل مدیون تأثیر ۶۱واحدی در نماد فارس بود که چند روزی است مجدد به عنوان حامی شاخص ظاهرشده و با معاملات بلوکی به رشد یا کاهش افت شاخص کمک می‌کند! البته هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس در پی اولین تأمین مالی ایران از بازارهای بین‌المللی با شرکتی ژاپنی به ارزش ۳۲۰ میلیون دلار در قالب یوزانس قرارداد دیگری را نیز به ارزش ۶۴۰ میلیون دلار با همین شرکت امضا خواهند کرد. نمادهای فولاد و فملی نیز که پس از فارس بیشترین تأثیر مثبت را بر شاخص داشتند، نمایندگان گروه فلزات بودند که در پی افزایش قیمت‌های جهانی سرب و روی، همچنین افزایش تقاضا برای ورق سرد فولاد مبارکه در بورس کالا با اقبال مواجه شدند. در شرایطی که سهم‌ها و گروه‌های بزرگ بازار از جذب نقدینگی سهام‌داران بازمانده‌اند، جریان نقدینگی به سمت گروه‌های کوچک‌تر سوق پیدا کرده؛ به‌طوری‌که شاهد معاملات مثبت در گروه قند در پی افزایش قیمت جهانی شکر، گروه غذایی، به‌واسطه عرضه سهم اولیه شرکت شیر پاستوریزه پگاه گلستان در روز چهارشنبه و همچنین گروه کانی غیرفلزی و کاشی و سرامیک بودیم. سهم‌های گروه انبوه‌سازی نیز به جز نماد و ساخت و تئوسا اغلب متعادل و منفی معامله شدند. گروه خودرو نیز پس از تقاضای مناسب چند روز گذشته، دو روزی است که با فشار عرضه سهم‌به‌کریبان است، البته تکنیکالیست‌ها اعتقاد دارند این افت می‌تواند پول بلکی به مقاومت‌های تازه‌پشت‌گذاشته شده به عوامل مختلفی بستگی دارد که هرکدام می‌تواند مسیر بازار را دست‌خوش تغییر کند. عواملی مانند قیمت‌های جهانی، قدرت سودآوری شرکت‌ها، نرخ ارز و نیل به هدف تکنرخی‌شدن آن، نقدینگی و تغییر در نرخ بازده بدون ریسک و همچنین مسائل سیاسی که می‌توان به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، روند ثبات در منطقه و همچنین تصور عمومی بازار مبنی بر رونق در ماه‌های منتهی به انتخابات ریاست جمهوری اشاره کرد.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۷۱۳۴۱٫۱	۵۳٫۲۷
شاخص قیمت	۲۷۴۴۵٫۷	۱۹٫۰۱
شاخص کل (هم‌وزن)	۱۴۹۹۰٫۴	۱۰۷٫۲۵
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۱۱۹۷۹٫۸	۸۵٫۶۰
آزاد شاور	۸۵۶۶۸٫۴	۲۷٫۳۲
۵۰ شرکت بزرگ	۳۰۴۶٫۳	۰٫۶۰-

پتک اولین مناظره ترامپ وهیولاری بر سر طلا

● شرق: تحلیل‌های اقتصادی نشان می‌دهند بازارهای بین‌المللی به‌خصوص طلا در هفته‌های آینده به‌شدت تحت‌تأثیر مناظره‌های انتخاباتی آمریکا، نااطمینانی جهانی و مشکلات بانکی منطقه یورو قرار خواهد داشت. به گزارش طلا به نقل از کینککو، نتایج مناظره اویل بول کلینتون و ترامپ نشان می‌دهد ظاهراً شانس نامزد دموکرات بیشتر از رقیب جمهوری خواه خواهد بود و این مسئله موجب افزایش ارزش دلار و کاهش نسبی قیمت جهانی طلا شده است. نامزدهای انتخابات آمریکا تا پیش از برگزاری انتخابات، ومناظره دیگر برگزار خواهند کرد. سرمایه‌گذاران بین‌المللی بر این باورند که سیاست‌های سختگیرانه و جنجالی ترامپ موجب نوسانات شدیدی در بازارهای بین‌المللی خواهد شد. بر اساس این گزارش، درحالی‌که به نظر می‌رسد مباحث مربوط به مناظره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در شرایط کنونی تأثیر زیادی بر نوسانات بازارهای بین‌المللی به‌خصوص طلا خواهد داشت، ولی از سوی دیگر مشکلات بانکی منطقه یورو نیز می‌تواند عامل مهمی برای تعیین تحولات بازارهای بین‌المللی باشد.

ارز	قیمت(دولار)	تغییر
دلار آمریکا	۳۵۷۷	+۲
یورو	۴۰۲۷	+۷
پوند	۴۶۷۷	+۵
درهم	۹۷۹	+۱

طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح قدیم	۱،۱۱۶،۰۰۰	-۲۰۰۰
طرح جدید	۱،۱۱۷،۰۰۰	-۲۵۰۰
نیم	۵۶۶،۰۰۰	-۲۰۰۰
ربع	۲۹۶،۰۰۰	-
گرمی	۱۸۷،۰۰۰	-
گرم ۱۸ عیار	۱۱۴،۰۰۰	-۴۰۰
اونس (دالر)	۱۳۲۷۰٫۸	-۱۳۷

مگر آنکه به دنبال رانت باشد.